

قرائت سبک زندگی قرآنی در طراحی مسکن سنتی دزفول



حسنا ورمقانی*

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2022.354762.1139

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۵

چکیده

معماری سنتی همواره زمینه‌ای جهت خلق و بیان باورهای دینی انسان بوده و در این میان خانه مهم‌ترین کالبد متأثر از سبک زندگی است. با این حال کیفیت مسکن معاصر با ورود الگوهای غربی زیستن، در تضاد با سبک زندگی ایرانی رو به افول نهاده و نیازمند بازنگری در شیوه شکل‌دهی به خانه با تعمق در شاخصه‌های فرهنگ دینی است. در این راستا پژوهش حاضر بر آن است تا نقش آموزه‌های قرآنی را در چگونگی پیکربندی مسکن سنتی مورد تحلیل قرار دهد. هدف پژوهش، شناسایی چگونگی تأثیرپذیری مسکن سنتی از سبک زندگی قرآنی به‌عنوان عنصر هدایت‌کننده فرآیند طراحی معماری است. حجم نمونه، شامل پانزده خانه تاریخی در بافت قدیم شهر دزفول است. پرسش تحقیق آن است که سبک زندگی قرآنی در مسکن سنتی دزفول به چه صورتی نمود یافته است؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استدلال منطقی است و جهت تحلیل سازمان فضایی خانه‌ها، علاوه بر تحلیل کیفی، از نرم‌افزار تخصصی ای‌گراف استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است بسیاری از ویژگی‌های خانه‌های دزفول، به نحوی با متغیرهای اعتقادی هماهنگ بوده‌اند و تمامی آن‌ها بر نقش ممتاز فرهنگ دینی در جهت‌دهی و شکل‌گیری معماری تأکید دارند. نتایج نشان می‌دهد عناصر کالبدی و فضایی متعددی متأثر از سبک زندگی قرآنی که در تحقیق حاضر مورد بحث قرار گرفته است؛ در شکل‌دهی به پنج ویژگی مسکن (فناخت‌مندانه، عادلانه، محبوب، ذاکرانه و کریمانه) به‌نحو توأمان دخالت داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی قرآنی، مسکن سنتی، دزفول.

*. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
hosnavarmaghani@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین منبع استنباط احکام و دریافت دستورات در تمامی ابعاد حیات به شمار می‌رود. از آن جمله احکام خانه‌سازی مبتنی بر اسکان و آرامش‌یابی است که محوری‌ترین پیام آن در آیه ۸۰ سوره نحل ارائه شده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰). قرآن کریم بناکردن و احداث خانه را نعمت الهی قلمداد می‌کند: «وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا اللَّهَ» (اعراف: ۷۴). براین مبنا، شیوه خانه‌سازی و تشکیل محله مسکونی مسلمین را به انبیا و امت‌های آنان آموخته است: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا» (یونس: ۸۷). به این ترتیب رجوع به آیات قرآن، شیوه ساخت مسکن را تعلیم می‌نماید و براین مبنا معمار سنتی با بهره‌گیری از هویت ایمانی خویش که فرا زمانی و فرا مکانی است، فضای بازتاب اندیشه‌های دینی را در پاسخ به نیازهای درونی و آسایش ساکنان خانه خلق نموده است. مهم‌ترین مشخصه مسکن سنتی، پایبندی به عقاید و باورهای فرهنگی در ساخت آن است و در این زمینه فرهنگ دینی بیش‌ترین تأثیرپذیری را از سبک زندگی قرآنی داشته که بازتاب آن در هنرها و دست‌ساخته‌های معماران سنتی هویدا است. در شکل‌دهی به مسکن سنتی، عوامل متعدد مادی و معنوی اثرگذار بوده است. برخی محققان از جمله سنت‌گرایان، انگیزه‌های معنوی را دارای اصالت دانسته و برخی دیگر چون الگ‌گرایان و جاناناتان بلوم بر عوامل مادی تمرکز نموده‌اند. به‌عنوان مثال سیدحسین نصر یکی از آثار معنوی و روحانی مهم هنر و معماری اسلامی را توانایی آن در عرضه بدون واسطه و قابل فهم قلب اسلام می‌داند (نصر، ۱۳۹۴). درمقابل الگ‌گرایان عقیده دارد هنر، امری است که با گذر زمان و تغییر شرایط تاریخی دچار تحول می‌شود و دارای ذاتی ثابت نیست که از امری تغییرناپذیر همچون اسلام سرچشمه گرفته باشد؛ با این حال وجود نظریه هنری در اسلام را مسلم می‌شمارد (قیومی بیدهنی، ۱۳۸۳: ۹۱). گرایان هنرها را نه به نحوی انتزاعی بلکه با توجه به محیط و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها بررسی می‌کند (همان: ۷۵). مقاله حاضر ضمن توجه به جنبه‌های قابل تغییر مکانی و زمانی، با قائل شدن اولویت برای دین و آموزه‌های قرآنی در شکل‌دهی به مسکن، شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی و بازتاب آن در کالبد و فضای معماری را مورد تحلیل قرار می‌دهد. شهر دزفول از دیرباز مردمانی مذهبی و پایبند به اصول دینی داشته است. فرهنگ مردم دزفول بنا به گفته



سفرنامه‌نویسان، با مسائل و آداب و سنن اسلامی عجین شده است. حضور علما و بزرگان دینی در شهر دزفول و تأثیر آنان بر فرهنگ و رفتار مردم باعث شده که هر مسافری روحیه مذهبی و باورهای مردم این شهر را لمس کند (قادرپناه، ۱۳۹۶). در سفرنامه هنری لایارد آمده: تمامی خوانین دزفول، سید و بستگان و رعایای آنان نیز افرادی متدین و دارای عقاید عمیق مذهبی بودند (لایارد، ۱۳۹۷: ۲۹۸-۲۹۲). دوبد نیز در سفرنامه خود، مهمان‌نوازی دزفولیان به‌ویژه حاکم دزفول را وصف کرده (دوبد، ۱۳۸۸: ۲۴۷) و نشان می‌دهد؛ مذهب و فرهنگ دینی در این شهر، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری خانه‌های سنتی بوده است. بنابراین انتظار می‌رود که در طرح کلی خانه و جزئیات آن، آموزه‌های برخاسته از سبک زندگی قرآنی اثرگذار بوده باشد. در این راستا تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که سبک زندگی قرآنی در مسکن سنتی دزفول به چه صورتی نمود یافته است؟

پیشینه پژوهش

اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ دینی در طراحی خانه مسلمان، موجب شکل‌گیری تحقیقات گسترده در خصوص اثرگذاری جنبه‌های مختلف فرهنگ بر مسکن شده است. کتاب پرتو حسن، حاوی مجموعه مقالاتی است که در نخستین همایش هنر و تمدن شیعی درباره مسئولیت‌های اخلاقی هنرمندان و معماران از بُعد فردی، حرفه‌ای و جامعه‌هنری از دیدگاه اندیشمندان مختلف ارایه شده است (شریف‌زاده، ۱۳۹۴). علاوه بر آن در تحقیقات مجزا نیز، ارتباط مسکن و فرهنگ دینی بررسی شده است. به‌عنوان مثال وثیق (۱۳۹۶) مکان‌یابی خانه در واحد همسایگی و رئیسی (۱۳۹۸) الگوهای درون‌گرای مسکن را با استناد به ادبیات قرآنی بررسی کرده‌اند. ولی‌زاده اوغانی (۱۳۹۷) به نمود اندیشه‌های اخلاقی حقوقی در مسکن سنتی پرداخته و هدف نهایی از ساخت خانه را آرامش و کرامت انسان می‌داند. حیاتی و همکاران (۱۳۹۶) با رجوع به قرآن و روایات، تجلی اصل «لاضرر و لاضرار» را به عنوان مهم‌ترین اصل حقوقی در معماری مسکونی و شهری دانسته و همچنین مدنی و همکاران (۱۳۹۶) مفهوم قرآنی و روایی عدل را در مسکن ایرانی با نگاه به دو نمونه خانه در کاشان و یزد مورد بررسی قرار داده‌اند. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۹) معماری نماهای ورودی شهر دزفول را با تکیه بر هویت فرهنگ اسلامی بازشناسی کرده‌اند. مقاله حاضر با نگاه جامع‌تری به لحاظ رویکرد و نمونه‌های مسکن، به تحلیل کالبد و پیکربندی فضاهای درونی خانه‌های دزفول از جنبه سبک زندگی قرآنی می‌پردازد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به کمک ترکیبی از روش‌های توصیفی - تحلیلی و استدلال منطقی انجام گرفته است. روش گردآوری داده‌ها مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی است. ابتدا منابع قرآنی و آیات قرآن مورد مطالعه قرار گرفت تا ارتباط میان سبک زندگی قرآنی و شکل مسکن یافت شود. سپس اصول طراحی در ۵ بخش عمده تحت عنوان سبک زندگی قرآنی شامل: قناعت، عدل، ذکر، حجاب و تکریم مهمان دسته‌بندی شد. در مرحله دوم اصول طراحی مورد تأکید، با استفاده از روش استدلال منطقی در خانه‌های سنتی دزفول ارزیابی شدند. علت انتخاب دزفول، صفت بارز دین‌داری و تقید به فرهنگ دینی در میان مردم این شهر است که انتظار می‌رود ساختار کالبدی و فضایی خانه‌ها نیز از این فرهنگ تأثیر پذیرفته باشد. حجم نمونه به روش هدفمند و غیر تصادفی بر اساس وجود بیشترین تنوع در شکل پلان و عناصر کالبدی فضایی خانه‌ها انتخاب شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر روش کیفی شامل تحلیل اطلاعات خروجی نرم‌افزار تخصصی ای‌گراف درخصوص ویژگی خانه‌های مورد مطالعه است.

محدوده جغرافیایی پژوهش

دزفول در شمال استان خوزستان و در قسمت جلگه‌ای آن با مساحت ۴۷۶۲ کیلومترمربع همجوار با شهر باستانی شوش و در ساحل رودخانه دز واقع شده است و تاریخ آن به زمان آبادانی شهر آوان، پایتخت عیلامیان نسبت داده می‌شود. بافت قدیم شهر دزفول با ۸۲ محله، یکی از قدیمی‌ترین بافت‌ها در میان شهرهای تاریخی است که با دارا بودن آجر در پوسته و کالبد، ساختار همگن آجری درون خود دارد. سیمای کالبدی جداره‌های معابر و ابنیه‌ی آن در داخل، همگی پوشیده از آجر است. موقعیت خاص شهر و عوامل اقلیمی مانند شدت و جهت تابش خورشید، گرمای زیاد هوا، جهت وزش باد مطلوب، توپوگرافی و جنس زمین، بر شکل‌گیری و پیچیدگی بافت قدیم دزفول مؤثر بوده است. اجرای تزیینات بسیار متنوع آجرکاری از داخل بناها تا سردر ورودی و معابر، گونه‌های بسیار غنی از نقوش هندسی آجر را به وجود آورده است (زرگرزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰؛ عینی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳).

چارچوب نظری «سبک زندگی قرآنی»

سبک زندگی قرآنی مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های متنوع فردی، خانوادگی



و اجتماعی و در حیطه‌های مختلف فرهنگ، محیط‌زیست، سکونت، هنر و فن منبعث از آموزه‌های قرآن و نهادینه‌شده در زندگی بشری است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۷-۱۹۵). همچنین مجموعه رفتارهای ساختار یافته متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های اعتقادی تعریف شده که وجه غالب رفتاری فرد یا اجتماع را تشکیل می‌دهد (ذبیح‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۵۴). در این نگاه، قرآن کریم عامل سعادت بشر در تمامی شئون زندگی و جهت‌دهنده به رفتارها و کنش‌های انسانی است که به شکل‌گیری الگوها می‌انجامد. زندگی قرآنی، زندگی خدامحور، توحیدمدار همراه با امنیت و آرامش دانسته شده است. در نظر انسان سنتی، زیستن در این جهان نیازمند اتکا به اصولی است که از سوی پروردگار معین گردیده (حجت، ۱۳۹۴: ۸۵) و معمار مسلمان با پایبندی به اصول اعتقادی و هویت دینی به خلق فضا در پرتو آموزه‌های قرآن و القای روح زندگی دینی می‌پردازد (عزیزیان، ۱۳۹۸). بر پایه این حقیقت که قرآن کریم معنا و کالبد هر پدیده را، پیوسته به یکدیگر می‌داند (اعراف: ۴۶؛ رحمن: ۴۱)، آثار هنری مخلوق بشر (سیمای ظاهری)، بیانی از سیمای باطنی و هویت صاحب آن اثر است. بر این اساس، مفهوم مسکن سنتی در لابه‌لای آموزه‌های سبک زندگی قرآنی مورد جستجو قرار می‌گیرد. از سویی قرآن ابعاد گسترده‌ای از مفهوم خانه را تشریح می‌نماید. توصیف خانه‌های قوم بنی‌اسرائیل در سرزمین مصر از منابع ویژه قرآنی است که در قالب دستورات برنامه‌ریزانه، برای تشکیل مجموعه‌ای شبیه محله، به حضرت موسی علیه السلام وحی شده است. سفارش به احداث محله مسلمین در سرزمین مصر با خانه‌های مقابل یکدیگر به‌گونه‌ای که بتوان در تک‌بنا و کل مجموعه عبادت را برپاداشت (یونس: ۸۷) از منابع مورد اتکاست. همچنین خانه اقوام مورد عذاب (فجر: ۷ تا ۹؛ حجر: ۸۲ و شعرا: ۱۴۹) و خانه حیوانات، از جمله روند برنامه‌ریزی خانه زنبور عسل (نحل: ۶۸)، از دیگر توصیفات قرآنی است. خداوند کریم کعبه را اولین خانه می‌داند که با معماری جبرئیل امین برای عبادت شکل گرفت: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» نخستین خانه‌ای که برای نیایش و عبادت مردم نهاده شد همان است که در مکه است؛ خانه پربرکت و وسیله هدایت عالمیان است، این خانه دارای نشانه‌هایی از ربوبیت، لطف و رحمت خداست (آل‌عمران: ۹۶ و ۹۷).

ارزش‌های قرآنی در سکونت سنتی

مسکن به معنای مکان سکونت‌گزیدن، استراحت و آرامش ذهن و معادل عربی واژه

خانه است (کبیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴). خانه مسلمان بایستی هماهنگ با عقاید اسلامی و ارزش‌های برآمده از قرآن، امکان انجام الگوهای رفتاری شریعت را فراهم سازد. محوری‌ترین مفهوم سکونت در آیه ۸۰ سوره نحل بیان شده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا». و خداوند از خانه‌هایتان برایتان آرامش قرار داد. واژه «من» در این آیه بیانگر آن است که هر مسکنی سبب سکون بخشی و مایه آرامش انسان نیست. بنابراین عمل به ارزش‌های سبک زندگی قرآنی و پی‌جویی آن در طراحی حریم و مکان مقدس مسکن، موجب شکل‌دهی به حریم امن و آرامش و حفاظت از طبیعت مطابق فطرت الهی انسان خواهد شد. با مطالعه متون و منابع دینی، بنابر مقایسه میزان تکرارپذیری استنادات قرآنی، پنج اصل به‌عنوان مهم‌ترین ارزش‌های طراحی مسکن سنتی مطابق سبک زندگی قرآنی برای ادامه پژوهش برگزیده شد که در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

قناعت

«إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُسْرِفِينَ» خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد (اعراف: ۳۱). در بحث از ارزش قرآنی قناعت در شکل‌دهی به سکونت، سه شاخص اعتدال‌گرایی، خودبستگی و پرهیز از بیهودگی موردتاکا قرار دارد. توصیه قرآن کریم به در نظر داشتن تناسب میان کمیت و کیفیت مسکن و سطح توانایی مالی (طلاق: ۶) و نفیر بیهودگی و بی‌هدفی ساخت‌وساز و مذموم دانستن آن به دلیل غفلت‌زایی (شعرا: ۱۲۸ و ۱۵۱) بر ضرورت قناعت در فراهم‌سازی مسکن تأکید دارد. در مقابل، برخی روایات وسعت را، ویژگی مسکن مطلوب دانسته و آرامش‌بخشی منازل گسترده را مورد اشاره قرار می‌دهند. در کلام امام صادق علیه السلام خانه‌ای وسیع که سائر نقصان، بدحالی و امور خصوصی اهل خانه از چشم مردم باشد، برای مؤمن موجب آرامش است (رئسی، ۱۳۹۸: ۸۱). بنابراین شرط اساسی مسکن جهت فراهم‌سازی آرامش (نحل: ۸۰)، ساتر بودن و پوشاندگی آن و راه دستیابی بهتر به آن، وسعت آن است. به‌عبارتی، خانه گسترده به نحو بهتری تفکیک فضاها و فعالیت‌ها را تأمین خواهد نمود. توصیه مذکور به‌نوعی مفهوم قناعت را در خود مستتر دارد؛ چراکه این وسعت، هدفمند و نه بیهوده و بی‌سرانجام است. به تعبیر قرآن، مؤمنین کسانی هستند که از بیهودگی روی‌گردانند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون: ۳). آن‌ها وقتی سخنی بیهوده بشنوند از آن روی برمی‌گردانند: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» (قصص: ۵۵). قرآن کریم در جای دیگر در نفی تکبر و فخرفروشی به دیگران سخن گفته است. این



موضوع با نفی تفاخر در بلندمرتبه‌سازی و اشراف بر منازل همسایگان همسو است که نوعی عدول از اعتدال‌گرایی و درتضاد با قناعت است. «وَلَا تَعۡزُزْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي الْأَرْضِ مَرۡحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸). از مردم رخ برمتاب و در زمین متکبرانه راه مرو که خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. در تفکر سنتی متأثر از سبک زندگی قرآنی، تشخیص و تمایز جای خود را به قناعت، همسویی و هماهنگی با جامعه داده است. براین‌مبنا در ساخت مسکن، به عنوان مثال انتخاب قدر و اندازه‌ی روزن نورگیر، ابعاد حوض آب و سایر عناصر، با هدف حضور به‌اندازه‌ی نور و حضور به‌اندازه‌ی آب و نه جلوه‌گری هرچه بیش‌تر نور و آب است. ازسویی دو شاخصه مهم معماری ایرانی، «مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی» (پیرنیا، ۱۳۹۶) دانسته شده که اصل اول به مفهوم رعایت تناسب میان عناصر ساختمانی با کالبد انسانی و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی و اصل دوم به معنای پرهیز از اسراف و کار بیهوده در ساخت بناست. این اصول، برآمده از قناعت در سبک زندگی قرآنی و تبلور آن در طراحی مسکن سنتی برداشت می‌شود.

عدل

ارزش و اهمیت عدل در سبک زندگی قرآنی از تعداد بسیار آیات عدل‌محورانه تشخیص داده می‌شود. برای مثال فرمان اجرای عدل به پیامبر گرامی اسلام و نیز به اهل ایمان، دلیل بر اهمیت آن است: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛ بگو پروردگام به عدل‌وداد فرمان داده است (اعراف: ۲۹). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛ ای اهل ایمان به عدل قیام کنید (نسا: ۱۳۵). اهمیت عدل در سکونت از طریق ارتباط با همسایگان و رعایت حقوق آنان و همچنین شیوه‌های طراحی خانه در مقیاس واحد همسایگی و محله‌های شهری قابل برداشت است. حسن رفتار با همسایه و روابط اجتماعی شایسته در آیات قرآن ضمن برشمردن حقوق اسلامی مسلمانان در قبال یکدیگر مورد توجه قرار دارد: «وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ»؛ همسایه نزدیک و همسایه دور را مورد احسان خویش قرار دهید (نسا: ۳۶). در این ارتباط علمای اسلام توصیه‌هایی در طرح مسکن ارائه نموده‌اند؛ ازآن‌جمله مکان‌یابی و جهت‌گیری درب ورودی خانه مسلمان است که نباید روبه‌رو یا مجاور درب خانه همسایه‌اش باشد (مرتضی، ۱۳۸۷). براین‌مبنا عدل در معماری مسکن از جنبه هماهنگی خانه در بافت مسکونی با دیگر واحدهای همسایگی شایان بررسی است. لزوم وحدت بافت مسکونی و هماهنگی جزء با کل در واحد همسایگی از راه همسانی‌سازی



و ظاهری بنا با دیگر واحدهای مسکونی محله و نیز تعریف مواد و مصالح همسان مطابق اقلیم و بافت، ازجمله مصادیق تعادل و عدل در سبک زندگی قرآنی به شمار می‌آیند. رعایت حقوق ارتفاع و حداقل اشرف در ساخت خانه با توجه به لزوم کرامت همسایه، از سویی با قناعت و از سوی دیگر با مفهوم قرآنی عدل ارتباط داشته و شایسته توجه بسیار است. قرآن کریم تشخص فضای ورودی را به جهت حفظ حریم خانواده مورد تأکید قرار می‌دهد؛ لذا به منظور منع مزاحمت هم‌جواری و حذف سهولت دسترس‌پذیری بیگانه، خانه‌ها بایستی از ورودی مشخص و فاخر برخوردار باشند. «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ؛ کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از درب خانه‌ها وارد شوید (بقره: ۱۸۹)». از دیگر مصادیق عدل در سکونت، سفارش به حفظ حرمت زنان و توجه به نیازهای آنان است (طلاق: ۶). همچنین عدالت در نمای بنا با تعادل و توازن و قرارگیری هر عنصر در مکان مناسب خود یا به تعبیری تعادل در نظام کل و اجزای بنا همراه است. تعادل بین فضاهای خانه از طریق حفظ ارزش فضایی اتاق‌ها به لحاظ دسترسی، حرمت فضا و نفی اشرف و نیز وحدت و هماهنگی در توده‌ی بنا تعریف می‌شود. ایجاد لایه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در مکان‌یابی ریزفضاهای خانه و نهی از ورود بدون اجازه و اشرف به حریم‌های درونی فضاها در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است (نور: ۵۸).

ذکر

مسکن در سبک زندگی قرآنی، واجد کیفیتی است که فرصت مراقبه، خودمحاسبه‌گری و تأمل در خویشتن را فراهم آورده و خلوت روحانی (خلوت انسان با خدا) را برقرار می‌سازد. مسکن قرآنی مسکن ذکر است، چراکه تفکر، حضور و آرامش قلب مناسب‌ترین زمینه برای جستجوی حقیقت خویشتن و ذکر و عبادت ساکن در آن به شمار می‌رود. درجات خلوت در مسکن سنتی مسلمانان، پیوندهای معنوی میان خانه و مسجد را برقرار نموده (نصر، ۱۳۸۵: ۷۹) و بستری برای ذاکر شدن انسان فراهم می‌کند. قرآن کریم ضمن توصیف مکان پاکیزه برای عبادت و نماز، آن بنا را بلد طیبه و نعمت الهی شمرده (توبه: ۱۰۸) و انتخاب مکان سکونت در میان مؤمنین با در نظر داشتن امکان ادای نماز و عبادت در منطقه مسکونی افراد مؤمن را از ملزومات می‌داند (یونس: ۸۷). پاداش پرهیزگاران در قرآن مأمّن و سکونتگاهی است به شکل غرفه‌هایی بر فراز غرفه‌ها و قصرهایی بر فراز قصرها که



رؤیت نهرهای جاری و باغ‌های آن از فراز غرفه‌ها لذت‌آفرین و دلپذیر است (زمر: ۲۰). خداوند به فرهنگ حاکم بر محیط خانه و خانواده پرداخته که باید محل تلاوت قرآن، اقامه نماز و ذکر و تسبیح باشد: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدُوِّ وَ الْأَصَالِ... ذُكِرَ اللَّهُ وَ إِيْقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الرُّكَاةِ» (نور: ۳۶ و ۳۷). خانه‌هایی که اهل آن صبح و شام به تسبیح خدا مشغول‌اند و این موجب زیبایی و نورانیت خانه و رفعت مقام ساکنان است. برهمن اساس خانه‌ای مقدس در آسمان چهارم یا هفتم بر فراز کعبه قرار دارد که نام آن به جهت کثرت زائران، طواف‌کنندگان و نمازگزاران و تسبیح‌گویان و تجمع فرشتگان الهی، بیت‌المعمور نهاده شده تا معلوم گردد زیبایی و آبادانی و عمران یک خانه به چیست. «وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ الشَّقْفِ الْمَرْفُوعِ» (طور: ۵۰۴). مسکن قرآنی مسکن قبله‌گراست و یکی از معانی قبله عبادتگاه است. رسالت خانه قرآنی، مذکر و یادآور بودن آن است؛ همچون طبیعت که بستری است برای یادآوری خدا. با توجه به آرامش‌یابی انسان در یادآوری خدا، خانه قرآنی مکان آرامش و سکینه و خانه «تطمئن القلوب» است. چنین خانه‌ای از منظر قرآن، خانه انسان (خانه اشرف مخلوقات و خانه خلیفه‌الله، جانشین خدا در زمین) است. براین مبنا مسکن ذاکرانه تابع هندسه هستی است، هر صورتی را به قدر و اندازه معین در کالبد خانه مستقر می‌سازد تا به معنا انجامیده و به الله رهنمون باشد. این‌چنین خانه‌ای با ایفای نقش مذکرانه خود طی زمان، غبار غفلت را از پرده فهم و عقل و احساس انسان ساکن می‌زداید. خانه برآمده از سبک زندگی قرآنی خانه‌ای امن و امان، واجد طهارت ظاهری و باطنی، فراهم‌آورنده ملزومات تجمع عبادت‌کنندگان، محل اعتکاف و ادای نماز است (بقره: ۱۲۵ و حج: ۲۶).

حجاب

از ارزش‌های دینی مورد تأکید در قرآن که ارتباط ویژه‌ای با طراحی مسکن دارد، ارزش حجاب و حرمت حریم خصوصی است که از نمونه‌های روشن آن در قرآن، نهی ورود بی‌اجازه بیگانه به حریم خصوصی و خانه دیگران ذکر شده است. «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آن‌که اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است. باشد که متذکر شوید (نور: ۲۷). از این رو طرح خانه مسلمان بایستی حافظ این حریم در برابر ورود بیگانه باشد و دسترس‌پذیری فیزیکی و دیداری

آن را محدود گرداند. همچنین آیات دیگری از قرآن نشان می‌دهد که ضرورت محصور بودن و حائل‌گذاری میان عرصه‌های خصوصی و عمومی در فضاهای درونی مسکن و مابین عرصه‌های نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی به‌منظور تفکیک قلمرو اعضای خانواده از منظر قرآن کریم شایان توجه است (نور: ۵۸ و ۵۹). در جای دیگر، رعایت الگوهای رفتاری دقیق برای افراد غیر، بیگانگان و مهمانان در خصوص رعایت حریم اهل خانه و پاکی و پاکدامنی تشریح گردیده و زمان و نحوه ورود، مدت حضور و شیوه انجام مناسبات اجتماعی برای مهمانانی که به منظور صرف غذا به خانه پیامبر اسلام دعوت شده‌اند بیان می‌شود (احزاب: ۵۳). تحقق مفهوم اندرونی و بیرونی در مسکن سنتی که با آداب زندگی خانواده مسلمان هماهنگی دارد، پاسخی معمارانه به خواست فطری ساکنان مبنی بر حجاب و محفوظ ماندن از دید نامحرمان در عین حفظ حرمت و احترام مهمانان است (ولی‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۴). نحوه ورود مهمانان به خانه‌های خویشاوندان (نور: ۶۱) و شیوه ارتباط و احترام میان اعضای خانواده (اسراء: ۲۳ و ۲۴) از دیگر توصیه‌ها در ترسیم مسکن قرآنی است. حریم مسکن به‌صورت فضاهای بینابینی و متوالی، از خصوصی‌ترین خلوت تا عمومی‌ترین مکان تجمع اهالی و خویشاوندان، معیار تشکیل مراتب فضایی خانه است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

تکریم مهمان

تکریم مهمان از دیگر آموزه‌های قرآن مبنا در شکل‌دهی به مسکن سنتی است که حفظ روابط مستحکم خانوادگی، همسایگی و اجتماعی را در پی خواهد داشت و از ارزش والایی در تقویت پیوندها میان مردم برخوردار است. تشکیل قلمرو مهمان در مسکن سنتی از تکلیف حفظ روابط قوی با خویشاوندان و اعضای جامعه نشأت می‌گیرد. تکریم و مهمان‌نوازی به معنای گرمی داشتن و عزیز و ارجمند شمردن ورودکنندگان به خانه که در داستان حضرت ابراهیم (ذاریات: ۲۴ تا ۲۷ و حجر: ۵۱ تا ۵۳) ذکر آن رفته است، در فرهنگ ایرانیان جایگاه والایی دارد؛ به‌طوری‌که سفرنامه‌نویسان و سیاحان نیز از آن سخن گفته‌اند. شاردن با ستایش مهمان‌نوازی ایرانیان در وقت غذاخوردن می‌نویسد: ایرانیان باور دارند حضرت ابراهیم علیه السلام هرگز بدون مهمان غذا نمی‌خورد؛ براین‌باور هنگام غذاخوردن تمام افرادی که حاضرند یا موقع غذا فرا می‌رسند و حتی نوکرانی که اسب‌ها را مقابل درب خانه مراقبت می‌کنند اطعام می‌شوند (ورمقانی، ۱۴۰۰: ۱۲۵). براون نیز به طور مشابهی علاقه‌مندی بی‌اندازه میزبان ایرانی را در تدارک وسایل راحتی مهمان وصف



نموده است (براون، ۱۳۹۵، ۱۸۸). در معماری سنتی، تفکیک اتاق مهمان از عرصه خصوصی، تفکیک فضای اندرونی و بیرونی و در نظر گرفتن شاه‌نشین به‌عنوان مکان مورد احترام در مهمان‌خانه، به جهت تکریم و حفظ حرمت مهمانان صورت گرفته است. جدول ۱ ساز و کار بازتاب ارزش‌های قرآنی در مسکن سنتی را شرح می‌دهد.

جدول ۱: ارزش‌های قرآنی سکونت سنتی و ساز و کار شکل‌گیری آن (پیرنیا، ۱۳۹۶؛ وثیق، ۱۳۹۶؛ ورمقانی، ۱۴۰۱؛ ولی زاده، ۱۳۹۷؛ رئیسی، ۱۳۹۸...)

ردیف	ارزش	بازتاب در سکونت	ساز و کار شکل‌گیری در مسکن	استناد قرآنی
۱	قناعت	مسکن قناعت‌مندان	پرهیز از بیهودگی- میانه‌روی در وسعت- خودبستگی- عدم فخر فروشی در ارتفاع و اعتدال در تزئینات- اعتدال‌گرایی- احترام به همسایگان- پرهیز از ساختن بیش از حد نیاز- رعایت تناسب میان بنا و ساختمان- هماهنگی با اقلیم و کاهش هزینه- عدم ساخت خانه اضافه بر نیاز- ترکیب تزئین با اهداف خاص عملکردی.	انعام: ۱۴۱؛ اعراف: ۳۱؛ طلاق: ۶؛ شعراء: ۱۲۸ و ۱۵۱؛ اسراء: ۲۶؛ فرقان: ۶۷؛ مؤمنون: ۳؛ قصص: ۵۵؛ لقمان: ۱۸ و...
۲	عدل	مسکن عادلانه	ارزش فضایی برابر- توجه به حریم‌های فضایی- رعایت حریم همسایه- حذف اشراف- رعایت حقوق همسایه از نظر ارتفاع ساختمان خانه- جهت‌گیری درست بالکن و عدم مزاحمت بصری- رعایت حریم صوتی و بویایی- رعایت حریم بصری- تأمین تمام فضاهای موردنیاز خانواده- ارتباط، هماهنگی و هم‌جواری خانه‌ها.	نساء: ۳۶ و ۱۲۹ و ۱۳۵؛ اعراف: ۲۹ و ۱۵۹ و ۱۸۱؛ بقره: ۱۸۹؛ طلاق: ۶؛ انبیاء: ۴۷؛ یونس: ۴۷ و ۵۴؛ انعام: ۱۱۵؛ نور: ۵۸ و...
۳	ذکر	مسکن ذاکرانه	گرایش به قبله- گرایش به آسمان- ارتباط با طبیعت- ترکیب پر و خالی یا توده و فضا- توالی ارتباط عرصه‌های نیمه‌باز و باز با فضاهای بسته- ایجاد فضاهای سکوت و خلوت- ایجاد محصوریت و فضاهای تمرکز به دور از عرصه‌های عمومی و تردد	نور: ۳۶ و ۳۷؛ آل‌عمران: ۹۶ و ۹۷؛ توبه: ۱۰۸؛ یونس: ۸۷؛ زمر: ۲۰؛ طور: ۴ و ۵؛ بقره: ۱۲۵؛ حج: ۲۶ و...
۴	حجاب	مسکن محجوب	سلسله مراتب فضایی- تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی- قلمروگرایی- تأمین هویت خصوصی خانه- سلسله مراتب بصری ورودی و دیوار حجاب- وجود هشتی- ایجاد فضاهای واسطه- توالی فضاهای روشن و تاریک- مسکن وسیع متناسب با نیاز تفکیک و پوشش عرصه‌ها.	نور: ۲۷ و ۳۰ و ۳۱ و ۵۸ و ۵۹؛ بقره: ۶۰؛ احزاب: ۵۳؛ یوسف: ۳۲ و ۳۳؛ قصص: ۲۵ و ۲۶؛ نور: ۶۱ و...
۵	تکریم مهمان	مسکن کریمانه	ایجاد هشتی و سکوهای پیرنشین- تعریف مهمان‌خانه در بهترین مکان خانه و تأمین آسایش و راحتی آن- رعایت حریم با فضاهای خصوصی- عناصر سایه‌انداز ورودی- تعریف مکان ملاقات کوتاه‌مدت و پذیرایی مهمانان غربیه و نیز آشنا با امکانات مختص هر یک.	هود: ۷۸؛ حجر: ۶۸ و ۶۹؛ ذاریات: ۲۴-۲۷؛ یوسف: ۳۱؛ احزاب: ۵۳؛ نور: ۲۸؛ حجر: ۵۱-۵۳ و...

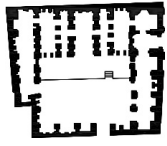


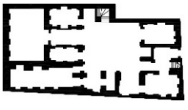





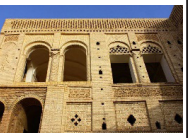
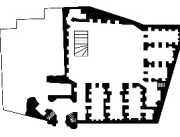
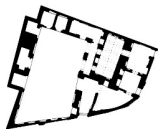
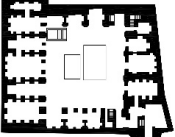

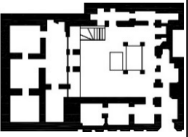





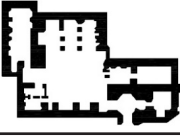









تحلیل فضای معماری به کمک نرم‌افزار ای‌گراف

موقعیت و ارتباط فضاها در نرم‌افزار ای‌گراف از طریق تبدیل پلان‌های معماری به نمودارهای ساده، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به سخی دیگر، پیکره‌بندی بنا به‌عنوان متنی پیچیده با این روش، ترجمانی ساده پیدا می‌کند و می‌توان ساختارهای اجتماعی و روابط درونی خانه را بررسی کرد. سه شاخص تحلیلی عمده در این نظریه که ارتباط روابط اجتماعی و فضایی را تحلیل می‌کند، شامل اتصال، هم‌پیوندی و عمق است. شاخص اتصال بیانگر تعداد فضاهایی است که به نحو مستقیم با سایر فضاها در پیکره‌بندی کلی ارتباط دارد (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸). بالا بودن این مقدار، سبب یکپارچگی و پیوستگی فضاها در ساختار کلی است و از این رو با هم‌پیوندی رابطه خطی دارد. شاخص هم‌پیوندی به معنای حد ارتباط و پیوستگی هر نقطه با سامانه کلی و مقدار دسترسی به آن است. به این معنا که میزان هم‌پیوندی بیشتر، دسترسی بالاتری به همراه دارد (امینی و یظه‌ری، ۱۴۰۰: ۵۹). این شاخص بیانگر انسجام فضایی است؛ یعنی فضای هم‌پیوند از انسجام بیشتری با دیگر فضاها و کلیت سازمان فضایی برخوردار است. شاخص عمق، نشان‌گر تعداد گام‌های فضایی برای دستیابی به یک نقطه از نقطه‌ای دیگر است. به این ترتیب فضای عمیق، فضایی است که مراحل زیادی میان آن فضا با دیگر فضاها برقرار است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۵). به عبارتی شاخص عمق، به معنای حد جدایی‌گزینی یک فضای خاص از کلیت پیکره‌بندی فضایی است.

معرفی نمونه‌های مطالعه

جهت تحلیل شاخص‌های تحقیق در مسکن سنتی دزفول، ۱۵ نمونه از مجموع ۶۰ خانه دوره قاجار در بافت قدیم این شهر انتخاب شده و خصوصیات آن‌ها در رابطه با سبک زندگی قرآنی با توجه به نقشه طبقه همکف، شکل و ارتباطات فضاها داخلی و نمای خارجی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. مبنای انتخاب نمونه‌ها، وجود بیشترین تنوع در شکل پلان و عناصر کالبدی فضایی به منظور دستیابی به نتایج جامع‌تر در معرفی و تحلیل خانه‌های دزفول بوده است. جدول ۲ تصاویر و نقشه‌های طبقه همکف و جدول ۳ خصوصیات کلی خانه‌ها را معرفی می‌کند.

جدول ۲: معرفی نقشه‌ها و تصاویر نمونه‌های مطالعاتی (منبع نقشه‌ها: آرشیو اداره میراث فرهنگی دزفول، بازترسیم نگارنده، ۱۴۰۱؛ منبع تصاویر: نگارنده، ۱۳۹۷ و URL۱،۲،۳)

تیزنو	شایگان	قلمبر	سوزنگر	دیانتی
				
				
جعفرخان سهرابی	چینی‌ساز	معزی	زرنگ‌زاده	فیلبان‌زاده
				
				
ضیائی	کوهی‌نژاد	نیلساز	آذرباد	شاه‌رکنی
				
				



جدول ۴: درصد توده- فضا، شکل و موقعیت ورودی و خصوصیات کلی بناهای مطالعاتی (منبع: نگارنده)

هندسه تقریبی	میزان محصوریت	موقعیت ورودی	شکل ورودی اصلی	تعداد ورودی	درصد مساحت فضا			خانه‌ها
					نیمه‌باز	بسته	باز	
مرع	۳ جهت	نسبتاً میانه	هشتی و دالان طویل	۲	۱۱/۷ %	۵۲/۹ %	۳۵/۲ %	تیزنو
مستطیل	۳ جهت	کنج بنا	چرخش دالان عریض	۱	۱۱/۴ %	۶۲/۵ %	۲۵/۹ %	شایگان
مستطیل	۳ جهت	کنج بنا	ترکیب هشتی و دالان	۳	۸/۸ %	۷۱/۵ %	۲۰/۲ %	قلمبر
مستطیل	۴ جهت	میانه جداره	چرخش دوگانه دالان	۱	۵/۴ %	۷۶/۹ %	۱۷/۵ %	سوزنگر
ترکیبی	۴ جهت	کنج بنا	ترکیب هشتی و دالان	۱	۶/۵ %	۶۷/۴ %	۲۵/۹ %	دیانتی
مرع	۴ جهت	کنج بنا	ترکیب هشتی و دالان	۱	۶/۴ %	۵۹/۱ %	۳۴/۳ %	جعفرخان
دورزقه	۳ جهت	نسبتاً میانه	دالان طویل	۱	۷/۹۴ %	۵۵/۲ %	۳۶/۸ %	چینی‌ساز
مرع	۴ جهت	کنج بنا	ترکیب هشتی و دالان	۱	۸/۱ %	۶۱/۹ %	۲۹/۹ %	معزی
مستطیل	۳ جهت	کنج بنا	هشتی با تغییر جهت	۱	۹/۳ %	۷۷/۹ %	۱۲/۶ %	زرنگ‌زاده
مستطیل	۴ جهت	کنج بنا	ترکیب هشتی و دالان	۱	۱۵ %	۶۱ %	۲۳/۹ %	فیلبان‌زاده
ترکیبی	۳ جهت	نسبتاً میانه	ترکیب هشتی و دالان	۱	۲/۸ %	۷۷/۲ %	۱۹ %	ضیائی
مثلث	۳ جهت	کنج بنا	دالان با تغییر جهت	۱	۵/۴ %	۷۹/۲ %	۱۵/۲ %	کوهی‌نژاد
مستطیل	۴ جهت	کنج بنا	چرخش دالان	۱	۱۴/۲ %	۷۰/۳ %	۱۵/۳ %	نیلساز
مستطیل	۳ جهت	نسبتاً میانه	دالان کوتاه	۱	۲/۱ %	۷۹/۶ %	۱۸/۱ %	آذرآباد
مرع	۴ جهت	کنج بنا	دالان طویل و هشتی	۱	۱۳/۷ %	۷۰/۵ %	۱۵/۶ %	شاه‌رکنی

یافته‌ها

تحلیل یافته‌ها شامل ۲ بخش کمی و کیفی است. در روش کمی، نرم‌افزار ای‌گراف به کار گرفته شده است (جدول ۴ و ۵). هر فضا در گراف‌های خروجی این نرم‌افزار با یک دایره نشان داده شده و خطوط، نشانه اتصال (ارتباط بلافاصل) فضاها با یکدیگر است. ردیف دایره‌ها از پایین به بالا در جدول ۴، افزایش عمق فضاهای خانه‌ها را نشان می‌دهد که بیانگر درجه خصوصی بودن آن فضاست. جدول ۵ ارقام خروجی نرم‌افزار ای‌گراف مربوط به ویژگی ریزفضاهای موجود در خانه‌های مورد مطالعه را با یکدیگر مقایسه می‌کند. به کمک این داده‌ها و همچنین اطلاعات کیفی خانه‌ها، اصول پنج‌گانه سبک زندگی اسلامی در مسکن سنتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۴: نمودار توجیهی چیدمان فضاها در نمونه‌های مورد مطالعه (منبع: نگارنده)

تیزنو	شایگان	قلمبر	سوزنگر	دیانتی
جعفرخان سهرابی	چینی‌ساز	معزی	زرنگ‌زاده	فیلان‌زاده
ضیائی	کوهی‌نژاد	نیلساز	آذرآباد	شاه‌رکنی



جدول ۵: مقایسه مقادیر عددی عمق، اتصال، همپیوندی (منبع: نگارنده)

عمق گامی	بیشترین اتصال	عمق بیشترین تراکم	عمق حیاط	اتصال حیاط	تعداد فضاها	میانگین			خانه‌ها
						اتصال	همپیوندی	عمق	
۷	۱۰	۶	۵	۱۰	۲۵	۲/۵۶	۵/۶۳۲	۳/۰۴۱	تیزنو
۷	۷	۵	۴	۷	۱۶	۲/۱۲۵	۳/۶۹	۲/۹۳	شاهکیان
۱۰	۹	۵	۴	۹	۳۳	۲/۱۵	۸۲/۵	۳/۹۳۷	قلمبر
۶	۱۲	۵	۴	۱۲	۲۰	۲/۲	۵/۱۵۱۶	۱۳/۲	سوزنگر
۱۰	۷	۹	۵	۷	۳۹	۲/۲۵	۸۷/۵	۴/۵۷۲	دیانتی
۷	۱۰	۶	۵	۱۰	۲۷	۲/۲۱	۴/۴۵۹	۳/۹۱۵	جعفرخان
۶	۷	۴	۳	۷	۱۶	۲	۲/۶۲	۲/۹۳	چینی‌ساز
۷	۲۰	۶	۵	۲۰	۱۳	۲/۲۵	۸۳/۷	۲/۹۶	معزی
۷	۷	۶	۴	۷	۲۲	۲	۲/۲۳	۳/۱	زرتک‌زاده
۹	۶	۶ و ۷ و ۸	۴	۵	۲۷	۲/۶۲	۴/۴۳	۳/۷۰۷	فیلین‌زاده
۷	۱۰	۶	۵	۱۰	۲۰	۶/۱	۷۷/۳	۳/۳۱۵	ضیائی
۹	۷	۴	۳	۹	۲۰	۶/۱	۴۷/۴	۳/۱۵۷	کوهی‌نژاد
۵	۵	۵ و ۴ و ۳	۴	۴	۲۵	۲/۱	۴۳/۴	۳/۶۲	نیلسماز
۹	۵	۷ و ۸	۳	۴	۵۱	۲	۳/۶۵	۲/۱	آذرباد
۹	۷	۷ و ۸	۶	۸	۲۶	۳/۵	۴/۲۸۵	۳/۱	شاه‌رکنی



مسکن قناعت‌مندانه

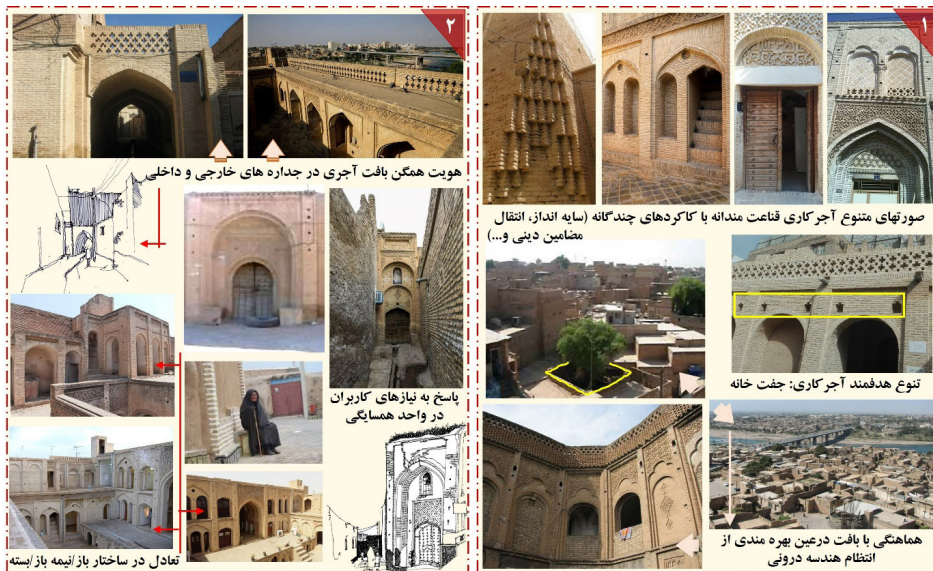
بارزترین جلوه قناعت در بدنه‌های داخلی و خارجی مسکن سنتی دزفول، در نوع آرایه‌ها مشاهده می‌شود که در عین بهره‌مندی از گودی‌های سایه‌دار و در نتیجه کاستن از میزان حرارت به داخل بنا، صورت‌های متنوع آجرکاری، فاقد هرگونه رنگ و ترکیب با سایر عناصر تزئینی است. به‌علاوه جفت‌خانه، عنصر تزئینی نما در دزفول دارای کارکرد دوگانه (لانه کبوتران- توجیه فرهنگی اعتقادی) است. جلوه دیگر از قناعت، حاصل محدودیت زمین و کوچکی قطعات است که سازمان‌دهی ویژه‌ای از ترکیب فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته را پیرامون حیاط‌های متنوع محصور در طبقات شکل داده است. لازم به ذکر است در این زمینه، اقلیم خاص منطقه و شرایط جغرافیایی نیز در گستردگی یا فشردگی ریزفضاها و حجم کلی بنا اثرگذار است. شکل‌دهی به حداقل تعداد فضا (۲۴/۲) و کاهش تکلف و پیچیدگی پلان، چنین خصلتی را نمایش می‌دهد. به‌علاوه هماهنگی با بافت در جهت‌گیری ورودی و سایر فضاها و نیز جایابی آن در ترکیبی نامتقارن در عین منطق و انتظام هندسه درونی از قناعت برمی‌خیزد. اتاق و ایوان، هم‌جوار با یکدیگر بوده و رو به حیاط درونی جای دارند.

مسکن عادلانه

جلوه عدل در مسکن سنتی دزفول از دو جنبه ساختار درونی و سیمای بیرونی آشکار می‌شود. هویت همگن آجرکاری در جبهه خارجی ابنیه و جداره‌های معابر در پوسته و کالبد و اجرای آرایه‌های بسیار متنوع نقوش هندسی آجر (خوون‌چینی^۱)، از داخل بنا تا سر در ورودی و امتداد معابر، بیانی از وحدت و هماهنگی و مصداق عدل در ساختار بخشی کالبدی به محله مسکونی است. جهت‌گیری معابر، متأثر از استقرار واحدهای مسکونی است که در پاسخ به نیازهای کاربران، با عناصر سایه‌انداز از قبیل ساباط به ایجاد کانون‌های گرم گفتگو میان ساکنان محله منجر شده است. وجه دیگری از عدل در کالبد خارجی، از طریق نحوه ارتباط با همسایگان جلوه‌گر می‌شود. نمایانی درب ورودی خانه‌ها در بافت سنتی از طریق جلوخان، سر در و درگاه و مستور نمودن درون از راه تنظیم مراتب فضایی پیش ورودی بر رعایت حقوق ساکنان در واحد همسایگی، رعایت حریم و روابط اجتماعی شایسته تأکید دارد. هشتی با هندسه چندضلعی و پس‌از آن دالانی طویل با انتهای چرخش‌یافته، روابط فرد و جامعه را از طریق ایجاد حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم

۱. نام نگاره‌های زینتی آجری بر پیشانی بنا در گویش دزفولی

می‌کند. به‌علاوه معیار شکل‌دهی فضاهای درونی بر اساس تعادل و عدل‌گرایی استوار است. فضای خانه‌ها عمدتاً حول یک یا دو حیاط منظم مستطیل یا مربع، شکل گرفته که به هندسه مشخص فضاهای درونی علیرغم بی‌نظمی بافت محلی شکل می‌دهد. در خانه‌های سنتی دزفول، سیر مرحله‌ای دسترسی به فضاها از عمومی به خصوصی و سرگشاده به سرپوشیده، از تنوع قابل‌توجهی به لحاظ عملکرد و کیفیت فضایی برخوردار بوده که به‌طور متوسط از ۶۸/۲ درصد فضاهای بسته، ۸/۵۴ درصد فضاهای نیمه‌باز و ۲۳/۰۲ درصد فضاهای باز تشکیل شده‌اند. به‌تعبیری کارکرد هر فضای باز، نیمه‌باز یا بسته، تعیین‌کننده شیوه دستیابی به آن فضا در جهت حذف اشراف درونی میان عرصه‌ها برپایه عدل است. تعادل و توازن در ساختار بخشی، به چهار گونه فضا یا عملکرد تشخیص داده می‌شود که شامل: «سرپوشیده»، «زیستی، نیمه‌باز»، «میانجی، باز» و «توزیع‌کننده و سرپوشیده خدماتی» است. گونه اول: نشیمن، پذیرایی، خواب، شبستان و شوادان، گونه دوم: دالان و ایوان، گونه سوم: حیاط و پیش‌بام و گونه چهارم: آشپزخانه و انبار، هریک در زمان خاصی از شبانه‌روز مورد استفاده بودند. این‌گونه چینش و تنظیم دقیق فضا، زمان و عملکرد و عدم تداخل و تداخل عرصه‌ها با یکدیگر، در عین انعطاف کارکردی آن‌ها، نمود عمیق مفهوم و معنای عدل (قرارگیری هر چیز در جای خود) را ابراز می‌دارد. مقدار بالای شاخص هم‌پیوندی پلان‌ها (متوسط ۴/۶۱ و حداکثر ۷/۳۷۲) بیانگر حداکثر انسجام هماهنگی و تعادل میان ریز فضاهای موجود در پیکربندی خانه‌هاست.





شکل ۱. ارزش‌های قرآنی در نمونه‌های مطالعه؛ ۱. مسکن قناعت‌مندانه؛ ۲. مسکن عادلانه (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱؛ تصاویر: زینب حیاتی، ۱۳۹۹؛ زرگزاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ نگارنده، ۱۳۹۷)

مسکن محبوب

مهم‌ترین عنصر کالبدی خانه‌های دزفول که در مفهوم بخشی به مسکن محبوب نقش داشته، فضای فرا اقلیمی حیاط است که متأثر از بسیاری رویکردهای اعتقادی، دینی و اجتماعی است. شکل و موقعیت حیاط‌های متعدد در طبقات همکف و فوقانی، علاوه بر تضمین درون‌گرایی و امکان نورگیری اتاق‌ها از داخل، مرزهای فضایی به منظور اتصال و انفصال عملکردهای متنوع خدماتی و زیستی را پدید آورده است. اهمیت حیاط به حدی است که در ۸۶/۶ درصد نمونه‌ها، بیشترین تعداد اتصال، به این فضا اختصاص دارد. عمق بالای حیاط (بین ۳ تا ۶) دلیل بر محصوریت کارکردپذیرترین فضا با حداکثر اتصال فضایی است؛ به این معنا که برای دسترسی به آن بایستی حداقل از ۳ و حداکثر از ۶ فضا نسبت به ورودی گذر کرد. پیش‌بام، عنصر فضایی محبوب خانه‌های دزفول با دیوارهای پیرامونی بلند و مشبک (ریه‌ها)، راهکاری ویژه در شکل‌دهی به حیاط خصوصی و دلپذیر است که علاوه بر تأمین نسیم فرح‌انگیز به واسطه نوع آجرچینی حصار محیطی، رؤیت‌پذیری فضا را به بلندای یک قد، مسدود نموده و آن را به حیاطی حجاب‌دار تبدیل می‌کند. عنصر دوم حجاب در خانه‌های دزفول، ورودی است که با جلوه‌های بسیار متنوع از ریتم و نقش آجر، به بخش حائز اهمیت نما تبدیل شده است. آستانه کوتاه درب، خواه برای ورودی‌های فرعی به حیاط و خواه مابین اتاق‌ها، خصوصیت ویژه خانه‌های دزفول است که دخول به آن مستلزم تعزیم و احترام بوده و رؤیت عرصه درونی آن در حالت ایستاده ممکن نیست. به علاوه این ورودی‌ها عمدتاً در کنج بنا یا اتاق‌ها واقع شده و یا با اتصال به پیش‌فضای حائل، عرصه‌های درونی حجاب‌دار را پدید می‌آورند. پنجره‌ی بدنه‌های خارجی، بنابر ارجحیت ارزش‌های دینی بر الزامات اقلیمی، به صورت محدود روزن‌های فرورفته و در ارتفاع ظاهر شده است. بخش اعظم خانه‌ها، به فضاهای بسته اختصاص یافته (۶۸/۲٪) و حیاط‌ها (۱۰۰٪ درصد نمونه‌ها) از سه یا چهار جهت محصور و حداکثر از یک جانب مجاور گذرند که علت آن علاوه بر شکل هم‌نشینی با خانه‌های هم‌جوار و فشردگی بافت، به محصوریت کالبدی یا بصری فضاهای درون نیز ارتباط دارد.

۱. دست‌انداز مشبک بام در دزفول

استقرار اتاق‌ها و ایوان‌های نشیمن، به‌ویژه در عرصه‌های فوقانی، دارای هندسه‌ای کشیده و عمیق عمود بر محور حیاط است که تدبیری بر حجاب‌دار نمودن فضاهای خانوادگی در مسکن سنتی دزفول را تشکیل می‌دهد. دالان مابین اتاق‌ها و فضاهای سرپوشیده با تکرار زیاد در پیکربندی خانه‌ها، به‌عنوان حجاب فضایی عمل نموده و یا در صورت گستردگی ابعاد، به فضای چندکارکردی زیستی و میانجی بدل خواهد شد. به‌طوری‌که دالان در خانه تیزنو و قلمبر منحصراً نقش حجاب فضایی و در خانه‌های معزی، سوزنگر و شایگان، از ماهیت چندکارکردی (ایوان یا نشیمن موقت خانواده) برخوردار است.



شکل ۲. ارزش‌های قرآنی در نمونه‌های مطالعه؛ مسکن محبوب (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱؛ سال تهیه تصاویر: ۱۳۹۷)

مسکن ذاکرانه

در مسکن سنتی دزفول، عناصری چون ایوان، حیاط (خلوت)، پیش‌بام، پستو و خلوت‌خانه به دلایل و کیفیات گوناگون، زمینه اندیشه و ذکر را بیش از دیگر فضاها فراهم می‌کنند. ایوان در معماری اسلامی همواره به عنوان محل ذکر حق، یادآوری شده است. این عنصر به لحاظ مادی و مفهومی، مکان گذار از زمین به سوی آسمان شمرده شده (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸) و از دیدگاه ماورای طبیعی، می‌تواند مقام نفس به شمار آید که میان حیاط و اتاق به مثابه روح و جسم سیر می‌کند (اردلان، ۱۳۸۲: ۲۲). ایوان خانه‌های دزفول به لحاظ تنوع، از اهمیت برخوردارند؛ ایوان بزرگ و عمیق نشیمن خانواده و ایوان کم‌عرض در قالب فضاهایی از سه طرف محصور و از یک طرف به کمک دیواره‌های کم‌ارتفاع با نقوش مشبک آجرچینی نیمه‌محصورند. چنین حوزه‌هایی چنان‌چه در ارتفاع و سطوح فوقانی واقع شود، زمینه‌ای برای دیدار طبیعت، آسمان و سیر



در آفاق و به لحاظ محصوریت، سیر در انفس را فراهم می‌آورد. در خانه‌های دزفول، از بام و پیش‌بام برای خوابیدن، گفتگوی عصرگاهی و مهمانی‌های شبانه و نیز فضای خدماتی در برخی ماه‌ها استفاده می‌شده است. این فضای محبوب و سایه‌دار در ارتباط بصری بی‌واسطه با آسمان، فرصت یادآوری، ذکر و تسبیح خدا را تأمین نموده و در امتداد دیداری با سایر عرصه‌های باز، حسی از سبکی، کاستن از ماده و سلوک روحانی را در یاد می‌آورد. در مسکن سنتی دزفول، تنوع و تعددی از حیاطها (اندرونی، بیرونی، خلوت، خدمات) در اشکال و سطوح ارتفاعی متنوع، بسته به تمکن مالی خانواده، قابل‌بازشناسی است. احداث حیاط در طبقات، وجه مشخصه مسکن بومی در دزفول است. از دیگر عناصر ذاکرانه، پستوهای پرتکرار خانه‌های دزفول است که به جهت حفظ خلوت و کاهش ارتباط دیداری با سایر عرصه‌های خانه به حذف مشغولیت‌های فکری روزمره و تمرکز روحی می‌انجامد.

مسکن کریمانه

از جمله عناصر شاخص خانه‌های بافت قدیم دزفول، جلوخان است که علیرغم مساحت اندک، از کارکردهای فراوانی چون تنظیم روابط اجتماعی، تبیین حریم، تعریف میزان ارتباط و تفکیک فضای داخل و خارج و همچنین احترام به نقش و جایگاه مهمان برخوردار است. عقب‌رفتگی نمای درگاه در فضای جلوخان، سکوه‌های پیرنشین در دو سوی جلوخان و تزئینات غنی آجری همراه با سایه‌اندازی و تمهیدات خنک‌سازی، از تدابیر بزرگداشت و تکریم مهمانان، مراجعین و عابران به شمار می‌آید. در مقابل، ارتفاع کوتاه درب خانه‌ها، نشان از تکریم مهمان نسبت به صاحب‌خانه به هنگام ورود به منزل اوست. سلسله‌مراتب ورود به خانه، در نمونه‌های مطالعه شامل ۲ تا ۵ مرحله چرخش فضایی است که تشکیل قلمروهای نیمه‌عمومی برای پذیرایی موقت از مهمانان در این مراحل، فضایی را فراهم می‌کند. از سویی مقدار بالای میانگین عمق فضایی خانه‌ها (۲/۶ تا ۴/۵) بر درجه بالای خلوت و حریم و امکان‌پذیری مطلوب تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی دلالت دارد که شکل‌دهی به مهمان‌خانه مفصل و قلمرو مجزای آشپزخانه و فضای خدمات‌دهی به آن را، در عین جداسازی آن از فضاهای خصوصی تسهیل می‌سازد. از دیگر عناصر برجسته و ممتاز در بافت محلات قدیم دزفول، شکل‌گیری سابطاها به‌عنوان بخشی از فضای معماری و شهری در قالب گذرهای سرپوشیده و سایه‌دار است که مأمّن همسایگان، به‌ویژه بانوان در گفتگوهای دوستانه عصرگاهی است. این طراحی ویژه، از جهت تقویت و تسهیل روابط

اجتماعی و همسایگی، با تکریم مهمان و سبک زندگی مورد تأکید در قرآن ارتباط دارد. عنصر دیگر که مختص معماری بومی دزفول است و نحوه شکل‌دهی به آن معطوف به روابط خانوادگی و خویشاوندی است، وجود گذرهای ارتباطی زیرزمینی میان شوادان‌های خانه‌های خویشاوند در عمق ۶ متری زمین است که نشان از روابط مستحکم اجتماعی و خانوادگی دارد. همچنین حیاط، در عین عهده‌داری نقش‌های متعدد، عنصری است که بنا بر موقعیت مرکزی محاط در عرصه‌های بسته و نیمه‌باز، قابلیت تبدیل به فضای تعاملات جمعی در برپایی مهمانی‌ها و جشن‌ها را داراست و ایوان‌ها در قالب فضاهای واسط و میانجی، به تفکیک قلمروهای خصوصی و عمومی در این‌گونه مناسبات خاص اجتماعی کمک می‌کنند. افزون بر آن، اتاق پذیرایی از مهمان ۲ در خانه‌های بومی دزفول هم‌جوار با ورودی بدون اشراف به آشپزخانه جای داشت که با تکریم و حفظ احترام مهمانان و میزبان ارتباط دارد.



شکل ۳. ارزش‌های قرآنی در نمونه‌های مطالعه؛ ۱. مسکن ذاکرانه ۲. مسکن کریمانه (منبع: نگارنده، ۱۴۰۱؛ منبع تصاویر: نگارنده و ۳، URL)

۱. زیرزمین‌های عمیق به فاصله ۵ تا ۱۲ متری از سطح زمین در خانه‌های دزفول.
۲. توو دَلز (اتاق داخل دهلیز) در گویش دزفولی اتاقی درون هشتی ورودی خانه است که در آن از مهمان غریبه پذیرایی می‌کردند.



نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل یافته‌ها در پاسخ به پرسش تحقیق نشان می‌دهد بسیاری از ویژگی‌های خانه‌های دزفول، به‌نحوی با متغیرهای اعتقادی هماهنگ بوده‌اند و تمامی آن‌ها بر نقش ممتاز فرهنگ دینی در جهت‌دهی و شکل‌گیری معماری تأکید دارند. یافته‌ها درباره نحوه نمودپذیری سبک زندگی قرآنی در مسکن سنتی دزفول حاکی از آن است که پنج شاخصه قناعت، عدل، ذکر، تکریم مهمان و حجاب، از طریق تنظیم عناصر کالبدی و فضایی ساختار درونی و شکل‌دهی به نحوه ارتباط بنا و بافت مسکونی، سبک زندگی قرآنی را نمود می‌بخشند. مسکن قناعت‌مندانه از طریق قناعت در پرداخت بدنه‌های داخلی و خارجی بنا، سازمان‌دهی فضاها پیرامون حیاط‌های محصور در طبقات و هماهنگی با بافت در جهت‌گیری بنا و ساختار ورودی نمود یافته است. مسکن عادلانه از طریق توجه به تعامل با همسایگان و پاسخ به نیاز کاربران به واسطه عناصر سایه‌انداز، ساباط‌خانه‌ها و جلوخان ورودی و همچنین تعادل و توازن در ساختاربخشی به ۴ گونه فضا یا عملکرد در عرصه درونی بازتاب می‌یابد. مسکن محجوب از طریق مرکزگرایی، شکل‌دهی به حیاط‌های درونی در طبقات، محصوریت پیش‌بام با دیوارهای مشبک و بلند پیرامونی، استقرار ورودی‌ها در کنج و کاهش رؤیت‌پذیری، ایوان‌های عمیق و روزن‌های فرورفته نمود یافته است. مسکن ذاکرانه از طریق شکل‌دهی به فضاهای خلوت و سکوت در ارتباط دیداری با طبیعت و آسمان از قبیل ایوان محصور با جان‌پناه مشبک، پیش‌بام، حیاط‌خلوت و پستوهای اتاق‌ها نمود یافته است. در نهایت مسکن کریمانه از طریق دعوت‌گری بنا به واسطه عناصر فضایی چون جلوخان و پیرنشین، مهمان‌خانه ورودی، عناصر سایه‌انداز معبر، شوادان‌های متصل به یکدیگر در خانه‌های هم‌جوار و قابلیت تغییر در چیدمان حیاط به‌منظور برگزاری مراسم و مناسبات بازتاب می‌یابد. عناصر کالبدی و فضایی مذکور متأثر از آموزه‌های فرهنگ دینی و سبک زندگی قرآنی در شکل‌دهی به ویژگی‌های پنج‌گانه مورد بحث به نحو توأمان دخالت داشته‌اند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- امینی گوهرریزی، سحر و یظهري کرمانی، علی، (۱۴۰۰)، تحلیل الگوی فضایی حیاط مرکزی در باغ مزار شاه نعمت‌الله ولی ماهان با استفاده از تکنیک نحو فضا. *اندیشه معماری*، ۵(۹): ۵۷-۶۷.
- براون، ادوارد گرانبویل، (۱۳۹۵). *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: اختران.
- بمانیان، محمدرضا، متین جوانی، و سمیرا ارجمندی، (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط میان پیکربندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان نمونه‌های موردی: مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله. *مطالعات معماری ایران*، ۹: ۱۴۱-۱۵۷.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۹۶)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تهران: غلامحسین معماریان.
- حائری مازندرانی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- حجت، عیسی، (۱۳۹۴)، سنت، سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران. *هنرهای زیبا*، ۲۰(۱): ۵-۱۶.
- حیاتی، حامد؛ زارع، علیرضا؛ امین پور، احمد و مدنی، رامین، (۱۳۹۶)، تحقق مفهوم قرآنی و روایی حقوق در شهرسازی و طراحی مسکن. *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۸(۳۱): ۲۶۷-۲۹۸.
- دوبد، بارون، (۱۳۸۸)، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه، (۱۳۹۹)، سبک زندگی قرآنی در کلام الملوک باباجان قزوینی، *مطالعات قرآنی*، ۱۱(۴۴): ۲۵۱-۲۷۳.
- رزاقی، رحمت؛ نورایی، محسن؛ حسینی، زینب السادات؛ موسوی، محسن و باقرزاده خجسته، حسن، (۱۳۹۸)، نقش آموزه‌های قرآنی، اسلامی و عرفانی بر سبک زندگی اجتماعی، *عرفان اسلامی*، ۱۶(۶۱): ۱۹۳-۲۱۲.
- رئیسی، محمدمنان، (۱۳۹۸)، تحلیل ارجحیت الگوهای درون‌گرا در معماری ابنیه مسکونی با استناد به ادبیات قرآنی، *آرمان‌شهر*، ۲۷: ۷۷-۸۵.
- زرگزاده دزفولی، مجتبی؛ لاری بقال، سید کیانوش؛ سالاری‌نصب، نجمه و بابایی‌مراد، مهناز، (۱۳۹۵)، خوون‌چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در ناماسازی های آثار معماری دزفول، *مطالعات معماری ایران*، ۹: ۴۷-۶۵.
- شریف‌زاده، سیدعبدالمجید، (۱۳۹۴)، پرتو حسن: *مجموعه مقالات نخستین همایش هنر و تمدن شیعی*. به سفارش پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی. تهران: سوره مهر.
- عزیزیان غروی، محسن و عزیزیان غروی، زینب، (۱۳۹۸)، تحلیل تطبیقی شاخص‌های مسکن اسلامی بر گونه‌های مسکن سنتی قم مبتنی بر نظرات معماران مسلمان معاصر، *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۷(۲۵): ۱۱۵-۱۳۸.
- عینی‌فر، علیرضا؛ آقاپطیفی، آزاده و حیاتی، زینب، (۱۳۹۹)، سیر تحول قلمروهای ثانویه در درون خانه‌های دزفول، *صفه*، ۳۰(۹۱): ۲۷-۴۸.



- قادریناه، علیرضا، (۱۳۹۶)، *دزفول از نگاه سفرنامه‌ها*، تهران: ارمغان تاریخ.
- قیومی بیدهندی، مهرداد، (۱۳۸۳)، آثار و افکار الگ گرابار، *دانشنامه*، ۲(۳): ۶۹-۱۳۵.
- کبیری سامانی، علی؛ ملکوتی، علیرضا و یادگاری، زهره، (۱۳۹۵)، بازشناسی معنی خانه در قرآن رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری خانه، *باغ نظر*، ۱۳(۴۵): ۶۱-۷۶.
- لایارد، سراوستن هنری، (۱۳۹۷)، *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*، ترجمه مهرباب امیری. تهران: فرهنگسرا.
- مدنی، رامین؛ امین پور، احمد و حیاتی، حامد، (۱۳۹۶)، تحقق مفهوم قرآنی و روایی عدل در طراحی مسکن ایرانی، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۳۴): ۲۱۶-۲۰۱.
- مرتضی، هشام، (۱۳۸۷)، *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*، ترجمه ابوالفضل مشکینی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- مؤمنی، کورش؛ عطاریان، کورش و محبیان، مصطفی، (۱۳۹۹)، بازشناسی هویت فرهنگ اسلامی در معماری نماهای ورودی (مطالعه موردی: خانه‌های بافت قدیم دزفول)، *اندیشه معماری*، ۴(۷): ۱۴-۲۸.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید و مسعودی‌نژاد، مصطفی، (۱۳۹۵)، جایگاه اقلیم در ترکیب‌بندی بناهای معاصر (مطالعه موردی: خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول)، *هویت شهر*، ۱۰(۲۶): ۶۱-۷۴.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، حمیدرضا عظمتی، و علی صادقی حبیب‌آباد، (۱۳۹۹)، بررسی ساختار مساجد سنتی، معاصر و پس از انقلاب اسلامی با روش نحو فضا (نمونه مورد مطالعه: مسجد جامع اصفهان، مسجد دانشگاه تهران، مسجد الغدیر، مسجد شهرک غرب)، *مرمت و معماری ایران*، ۱۰(۲۲): ۱۵-۳۶.
- نصر، سیدحسین، (۱۳۸۵)، *اسلام، مذهب، تاریخ و تمدن*، ترجمه عباس گیلوری، تهران: روزبهان.
- _____، (۱۳۹۴)، *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.
- ورمقانی، حسنا، (۱۴۰۰)، پژوهشی در خوانش شاخه‌های آمیختگی در فضای فردی-جمعی حیاط خانه سنتی (خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عهد قاجار و صفوی)، *فضای زیست*، ۱(۱): ۱۱۷-۱۳۸.
- _____، (۱۴۰۱)، جستجوی مفهوم خانه ایرانی با تکیه بر انطباق توصیفات تاریخی و ساختار کالبدی (مطالعه خانه‌های یزد و اصفهان)، *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۷(۱): ۱-۱۸.
- وثیق، بهزاد، (۱۳۹۶)، ترسیم ساختار دینی مفهوم مکان در واحد همسایگی با تکیه بر آیات قرآن کریم، *هفت حصار*، ۶(۲۱): ۷۰-۵۷.
- ولی‌زاده اوغانی، محمداقبر، (۱۳۹۷)، نمود اندیشه‌های اخلاقی-حقوقی در طرح معماری خانه‌های سنتی ایران، *مدیریت شهری*، ۵۳: ۲۷-۴۴.

URL1: <https://www.alaedin.travel/attractions/iran/dezful>

URL2: <http://www.dezfoolnews.ir>

URL3: <https://www.kojaro.com>